



دانشگاه الزهراء

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان

جایگاه عقل در فقه امامیه

استاد راهنما

دکتر فریبا حاجیعلی

استاد مشاور

دکتر سید مسلم حسینی ادیانی

دانشجو

فاطمه کلبندی

تیر ماه ۸۹

تقدیم به

پدرم

مادرم

و خواهرم مژگان

شکرو سپاس پروردگار را که حمد و ستایش مخصوص اوست و سپاس از او انجام نمی پذیرد مگر با تشکر و قدردانی از مخلوق او.

سپاس و ستایش ویژه خداوندیست که هستی مطلق اوست و هر هستی و نعمتی به او باز می گردد.

و سپاس از آنانی که نعمت های اویند، نعمت هایی که شمردن آنها قدردانی از اوست. و سپاس فراوان از اساتید گرانقدر سر کار خانم دکتر جاجیعلی و جناب آقای دکتر حسینی ادیانی که با راهنمایی و مشاوره ارزشمند خویش راه گشای من بودند. و سپاس و تشکر فراوان از پدرم و مادرم که دریای بیکران مهر خویش را بی دریغ بر من ارزانی داشتند.

چکیده:

مهم ترین مسئله ای که در استنباط حکم شرعی مطرح است، منابعی است که فقیه باید به آنها استناد نماید، از این جهت ضرورت دارد که پیرامون عقل تحقیقی ژرف صورت گیرد تا دلیل اعتبار آن در فقه امامیه به عنوان یکی از منابع استنباط احکام روشن شود. با تبیین دیدگاه امامیه در باب دلیل عقل روشن گردید مراد از دلیل عقل هر حکم عقلی است که با عث قطع به حکم شرعی گردد. اصولیین امامیه با تقسیم ادله عقلی در دو قسم مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه و منحصر کردن مستقلات عقلیه به مسئله حسن و قبح عقلی و غیر مستقلات عقلیه به مساله اجزاء، مقدمه واجب، دلالت نهی بر فساد، ضد و بالاخره اجتماع امر و نهی کوشیده اند به تبیین دیدگاه های خویش پیرامون دلیل عقل پردازند. در هر دو بخش مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه، مسئله ای به نام قاعده ی ملازمه مطرح است که می توان با مدد جستن از آن به استنباط حکم شرعی پرداخت.

واژه های کلیدی: عقل، حسن، قبح، ملازمه، حجیت، استنباط حکم.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول : کلیات

بخش اول : معنائشناسی واژگان و اصطلاحات

گفتار اول: عقل ۷

مبحث اول: معنای لغوی عقل ۷

بند اول: واژگان مترادف عقل ۸

بند دوم: واژگان متضاد عقل ۹

مبحث دوم: معنای اصطلاحی عقل ۹

بند اول: عقل در اصطلاح فقها ۹

۱- فقه‌های امامیه ۹

الف- دیدگاه اصولیین ۹

ب- دیدگاه اخباریین ۱۱

۲- فقه‌های اهل سنت ۱۲

بند دوم: عقل از دیدگاه فلاسفه ۱۳

بند سوم: عقل از دیدگاه متکلمین ۱۴

بند چهارم: عقل از دیدگاه عرفاء ۱۴

بند پنجم: عقل در قرآن ۱۵

۱- عقل ورزی در شناخت نشانه های تکوینی ۱۶

۲- رابطه عقل و علم ۱۸

۳- رابطه عقل و هدایت ۱۹

بند ششم: عقل در سنت ۲۰

۱- ویژگیهای عقل در سنت ۲۱

الف- عقل، حجت باطنی ۲۱

ب- عقل، موهبتی مدرج ۲۲

۲۳	ج- عقل، مایه عبادت پروردگار
۲۳	د- رابطه متقابل عقل و عمل
۲۴	۲- اقسام عقل در سنت
۲۴	الف- عقل مطبوع
۲۴	ب- عقل مسموع
۲۴	گفتار دوم: حسن و قبح
۲۴	مبحث اول: معنای لغوی
۲۴	بند اول: حسن در لغت
۲۵	بند دوم: قبح در لغت
۲۵	مبحث دوم: حسن و قبح در اصطلاح
۲۵	بند اول: حسن و قبح از دیدگاه فقها
۲۶	بند دوم: حسن و قبح از دیدگاه متکلمین
۲۶	الف- معتزله و امامیه
۲۶	ب- اشاعره
۲۸	بند چهارم: قبح در قرآن
۲۸	گفتار سوم: ملازمه
۲۸	مبحث اول: ملازمه در لغت
۲۹	مبحث دوم: ملازمه در اصطلاح

بخش دوم: اقسام و مراتب عقل

۳۱	گفتار اول: دیدگاه عرفاء
۳۱	مبحث اول: عقل جزئی
۳۱	مبحث دوم: عقل کلی
۳۲	گفتار دوم: دیدگاه فلاسفه
۳۲	مبحث اول: عقل نظری
۳۲	مبحث دوم: عقل عملی
۳۴	گفتار سوم: دیدگاه فقها
۳۴	گفتار چهارم: اقسام ادله عقلی از دیدگاه فقها

۳۴	مبحث اول: امامیه
۳۴	بند اول: مستقلات عقلیه
۳۵	بند دوم: غیر مستقلات عقلیه
۳۶	مبحث دوم: اهل سنت
۳۶	بند اول: سد ذرایع و فتح ذرایع
۳۶	بند دوم: استحسان
۳۷	بند سوم: مصالحه مرسله
۳۹	بند چهارم: قیاس

بخش سوم: سیر تطور تاریخی استناد به دلیل عقلی در فقه امامیه

۴۰	گفتار اول: دوره پیامبر (ص)
۴۱	گفتار دوم: دوره امامان (ع)
۴۲	گفتار سوم: دوران غیبت
۴۲	مبحث اول: روی آوری به عقل بدون در نظر گرفتن آن به عنوان یکی از منابع استنباط احکام
۴۴	مبحث دوم: لحاظ عقل به عنوان منبعی برای دست یابی به احکام بدون ارائه تعریف از آن
۴۵	مبحث سوم: تعریف عقل به عنوان یکی از منابع مستقل استنباط احکام

فصل دوم- جایگاه و مشروعیت اقسام ادله عقلی

بخش اول: دلیل عقلی مستقل

۵۰	گفتار اول: تاریخچه مباحث مربوط به مستقلات عقلیه و مفاهیم حسن و قبح
۵۳	گفتار دوم: اقوال در مسئله حسن و قبح
۵۳	مبحث اول: دیدگاه متکلمین
۵۳	بند اول: عدلیه
۵۵	بند دوم: اشاعره
۵۶	مبحث دوم: دیدگاه فقها
۵۶	بند اول: معانی حسن و قبح از دیدگاه فقها
۵۷	بند دوم: تقسیم فلسفی عقل و تبیین آنها در معانی حسن و قبح
۵۹	بند سوم: حسن و قبح عقلی از یقینیات است یا مشهورات؟

- بند چهارم: اسباب حکم عقل عملی به حسن و قبح..... ۶۰
- گفتار سوم:** ادله قائلین حسن و قبح عقلی ۶۲
- مبحث اول:** ادله عقلی ۶۲
- بند اول: بداهت ۶۲
- بند دوم: تلازم انکار حسن و قبح عقلی با انکار حسن و قبح به طور مطلق ۶۳
- بند سوم: عدم امکان اثبات شرایع با انکار حسن و قبح عقلی ۶۴
- مبحث دوم:** ادله نقلی ۶۴
- بند اول: قرآن و مسأله حسن و قبح عقلی ۶۴
- بند دوم: سنت و حسن و قبح عقلی ۶۷
- گفتار چهارم:** ادله منکرین حسن و قبح عقلی ۶۹
- مبحث اول:** ادله عقلی ۶۹
- بند اول: اگر حسن و قبح، عقلی بود همه در آن یکسان بودند ۶۹
- بند دوم: دروغ مصلحت آمیز، قبیح نیست ۷۰
- بند سوم: نقص ادراکات عقلی و اختلاف مردم در تشخیص حسن و قبح افعال ۷۲
- بند چهارم: قاعده لطف ۷۳
- مبحث دوم:** ادله نقلی ۷۴
- عدم ملازمه میان حسن و قبح عقلی و استحقاق عقاب ۷۴

بخش دوم: دلیل عقلی غیر مستقل

- گفتار اول:** مسأله اجزاء ۷۵
- مبحث اول:** معنای لغوی و اصطلاحی اجزاء ۷۵
- مبحث دوم:** اجزاء مسئله عقلی است یا لفظی؟ ۷۵
- مبحث سوم:** تعیین محل نزاع ۷۶
- مبحث چهارم:** اجزای مأمور به مبتنی بر امر اضطراری ۷۷
- مبحث پنجم:** اجزای مأمور به مبتنی بر امر ظاهری ۷۷
- بند اول: اجزای ماتی به با استناد به اماره معتبره در صورت کشف خلاف به گونه یقینی ۷۸
- بند دوم: اجزای ماتی به با استناد به اصول عملیه، در صورت کشف خلاف به گونه یقینی ۸۰

- بند سوم: اجزای امارات و اصول در صورت کشف خلاف بر مبنای حجت معتبره ۸۱
- گفتار دوم: مقدمه واجب** ۸۲
- مبحث اول: مقدمه واجب از مسائل اصولی است یا فقهی؟** ۸۲
- مبحث دوم: تقسیمات مقدمه** ۸۳
- بند اول: مقدمه به اعتبار لحاظش با ذوالمقدمه ۸۳
- بند دوم: مقدمه به اعتبار حکم حاکم برمقدمیتش ۸۳
- بند سوم: مقدمه از نظر زمان وجودش نسبت به ذوالمقدمه ۸۳
- مبحث سوم: تقسیمات واجب** ۸۵
- مبحث چهارم: تحریر محل نزاع** ۸۶
- گفتار سوم: مسأله ضد** ۸۷
- مبحث اول: تحریر محل نزاع** ۸۷
- مبحث دوم: آیا امر به شی مقتضی نهی از ضد عام آن است؟** ۸۸
- مبحث سوم: آیا امر به شی مقتضی نهی از ضد خاص آن است؟** ۸۸
- مبحث چهارم: ثمره مسأله ضد** ۸۹
- گفتار چهارم: اجتماع امر و نهی** ۸۹
- مبحث اول: تحریر محل نزاع** ۸۹
- مبحث دوم: قول حق در مسأله اجتماع امر و نهی** ۹۰
- مبحث سوم: ثمره نزاع در اجتماع امر و نهی** ۹۱
- گفتار پنجم: دلالت نهی بفساد** ۹۲
- مبحث اول: تحریر محل نزاع** ۹۲
- مبحث دوم: نهی در عبادات** ۹۲
- مبحث سوم: نهی در معاملات** ۹۳

فصل سوم: قاعده ملازمه

بخش اول: تحلیل قاعده ملازمه

- گفتار اول: تاریخچه مباحث مربوط به قاعده ملازمه** ۹۶
- گفتار دوم: مفاد اصل قاعده ملازمه** ۹۸

- ۹۹..... مبحث اول: ما حکم به العقل
- ۹۹..... بند اول: معانی حکم عقل
- ۱۰۰..... بند دوم: فرق سیره عقلاء با احکام عقلی
- ۱۰۱..... مبحث دوم: حکم به الشرع
- ۱۰۱..... بند اول: مراتب مختلف حکم شرع
- ۱۰۱..... بند دوم: معنای حکم شرع
- ۱۰۲..... گفتار سوم: مفاد عکس قاعده ملازمه
- ۱۰۲..... مبحث اول: ما حکم به الشرع
- ۱۰۳..... مبحث دوم: حکم به العقل

بخش دوم: بررسی دیدگاه ها و اقوال پیرامون قاعده ملازمه

- ۱۰۴..... گفتار اول: اقوال موافقین قاعده ملازمه
- ۱۰۴..... -تفسیر شیخ انصاری از معنای قاعده ملازمه
- ۱۰۶..... گفتار دوم: اقوال مخالفین قاعده ملازمه
- ۱۰۶..... - نظریه صاحب فصول
- ۱۰۷..... ۱- اشکال اول صاحب فصول
- ۱۰۷..... پاسخ به اشکال اول صاحب فصول
- ۱۰۸..... ۲- اشکال دوم صاحب فصول
- ۱۰۸..... پاسخ به اشکال دوم صاحب فصول
- ۱۰۹..... ۳- اشکال سوم صاحب فصول
- ۱۰۹..... پاسخ به اشکال سوم صاحب فصول
- ۱۱۰..... ۴- اشکال چهارم صاحب فصول
- ۱۱۰..... پاسخ به اشکال چهارم صاحب فصول
- ۱۱۱..... ۵- اشکال پنجم صاحب فصول
- ۱۱۱..... پاسخ به اشکال پنجم صاحب فصول

بخش سوم: ادله اثبات و انکار قاعده ی تلازم

- گفتار اول: ادله ثبات قاعده تلازم ۱۱۲
- مبحث اول: دلیل خلف ۱۱۲
- مبحث دوم: بداهت ۱۱۳
- مبحث سوم: حکمت ۱۱۴
- گفتار دوم: ادله ی انکار قاعده تلازم ۱۱۴
- مبحث اول: دلالت برخی از آیات قرآنی ۱۱۴
- مبحث دوم: دلالت برخی از روایات ۱۱۵
- مبحث سوم: در مقدمات عقلیه مجال خطا و اشتباه بسیار است ۱۱۶

فصل چهارم: بررسی گستره کاربرد عقل در ارتباط با سایر مباحث اصولی

بخش اول: عقل و ظهورات برخی از الفاظ

- گفتار اول: عقل و دلالت صیغه امر بر وجوب ۱۱۹
- گفتار دوم: عقل و دلالت صیغه نهی بر حرمت ۱۱۱
- گفتار سوم: عقل و نحوه دلالت لفظ مطلق بر اطلاق ۱۲۰

بخش دوم: عقل و حجیت برخی از مصادیق حجت

- گفتار اول: عقل و حجیت اجماع ۱۲۱
- گفتار دوم: عقل و حجیت خبر واحد ۱۲۳
- گفتار سوم: عقل و حجیت قول لغوی ۱۲۴
- گفتار چهارم: عقل و حجیت ظواهر ۱۲۵
- گفتار پنجم: عقل و حجیت قیاس ۱۲۵

بخش سوم: عقل و حجیت اصول عملیه

- گفتار اول: عقل و اصل استصحاب ۱۲۷
- گفتار دوم: عقل و اصل برائت ۱۲۹
- گفتار سوم: عقل و اصل تخییر ۱۳۱
- مبحث اول: ادله عقلی طرفداران تقدم حرمت بر وجوب ۱۳۳

مبحث دوم: ادله عقلی مخالفان تقدم حرمت بر وجوب ۱۳۴

گفتار چهارم: عقل و اصل احتیاط ۱۳۷

بخش چهارم: عقل و درک ملاکات احکام شرع

گفتار اول: معنا و مفهوم ملاک ۱۴۰

گفتار دوم: ادله منکرین درک ملاکات حکم شرعی توسط عقل ۱۴۱

گفتار سوم: ادله قائلین به درک ملاکات حکم شرعی توسط عقل ۱۴۳

نتیجه گیری کلی: ۱۴۴

فهرست منابع : ۱۵۰

بشر همواره به دنبال قانونی بوده است تا در پرتو آن بتواند زندگی فردی و اجتماعی خویش را به گونه‌ای شایسته اداره کند و فقه اسلامی را می‌توان تئوری واقعی اداره انسان‌ها از گهواره تا گور دانست. متصدی امر جهاد برای چنین برنامه‌ای، می‌بایست از منابع معتبر فقهی احکام و فروعات مورد نظر را استخراج نماید. در نظام فقهی و حقوقی امامیه چنین صلاحیتی مشمول منابعی می‌شود که حجیت آن‌ها به اثبات رسیده باشد و حتی ظن به حجیت چیزی، موجب تبدیل آن به لا حجت می‌شود. یکی از منابع استنباط احکام در فقه امامیه که حجیت آن به اثبات رسیده است، عقل است. پرسش از جایگاه عقل در استنباط، جدید و امروزی نیست، تاریخ اصول نشان می‌دهد که عالمان در پربارترین دوره‌های اندیشه‌ورزی خود به مسئله عقل و نقش و جایگاه آن در استنباط به مثابه پرسشی تعیین کننده و محوری می‌نگریسته‌اند. حاصل این بررسی تاریخی به رغم غلطیدن آن به قیل و قال‌های حاشیه‌ای، نسبتاً قابل توجه و سودمند بوده است و موجب مشخص شدن حدود و ثغور دلیل عقل به عنوان یکی از منابع معتبر استنباط احکام شده است. با توجه به این اصل مسلم که تنها اراده خداوند است که مصدر احکام می‌باشد، بررسی جایگاه حقیقی استناد به عقل در استنباط احکام ضروری می‌نماید تا بتوانیم نحوه ورود عقل را در نظام قانونگذاری و اجتهاد تعیین نماییم و با اثبات مشروعیت آن، از ثمرات آن در عرصه‌های مختلف فقه بهره‌مند شویم.

پرسش پژوهش و تبیین آن

عقل به عنوان یکی از ادله اثبات احکام شرعی چه جایگاهی در فقه امامیه دارد؟

مراد از دلیل عقل در کتاب و سنت هر حکم عقلی است که باعث قطع به حکم شرعی می‌گردد به عبارت دیگر هر قضیه عقلی که از طریق آن یقین به حکم شرعی حاصل گردد. در مورد به کارگیری حکم عقل، فقه امامیه دوره‌های مختلفی را به خود دیده است اما مهم‌ترین رویداد در تاریخ عقل‌گرایی شیعی جنبش اصولیین شیعه بوده است. از نظر اصولی‌ها دانش‌هایی چون اصول فقه، منطق، رجال و هر دانشی که بخواهد در کار استنباط معارف دینی وارد شود مشروع است. ایشان ادله عقلی را منحصر در دو مسئله مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه می‌دانند و معتقدند عقل از طریق مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه می‌تواند در استنباط احکام موثر باشد. در هر دو بخش مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه، مسئله ای به نام قاعده ملازمه مطرح است که می‌توان با مدد جستن از آن به استنباط حکم شرعی پرداخت. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه اخباریین است که در حوزه دین جایگاهی برای عقل قائل نیستند و فقط اخبار و احادیث را مورد استناد قرار می‌دهند.

پرسش‌های فرعی پژوهش

- ۱- ادله اصولیین امامیه در مورد اثبات حجیت حکم عقل در استنباطات فقهی چیست؟
- ۲- چرا بین حکم عقل و حکم شرع ملازمه وجود دارد؟
- ۳- فرق دلیل عقل با بنا و سیره عقلا چیست؟
- ۴- ادله اخباریین شیعه در نفی حجیت حکم عقل در استنباطات فقهی چیست؟

فرضیات پژوهش

- ۱- اصولیین با تقسیم ادله عقلی به مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه به قاعده‌ی ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع برای اثبات مدعای خویش استناد می‌کند.
- ۲- چون خود شارع یکی از عقلا بلکه رئیس عقلا و خالق عقل است در نتیجه هنگامی که عقل به حسن و قبح ذاتی افعال حکم می‌کند شرع نیز آن را تایید می‌کند.
- ۳- سیره همان رفتار و روش عقلاست و حال آنکه احکام عقلی فقط کلیاتی است که عقل آن را درک می‌کند. بنای عقلا بستگی به امضای شارع دارد اما حکم عقل در مواردی که کشف تام قطعی دارد توسط شارع قابل سلب نیست.
- ۴- اخباری‌ها منکر ملازمه هستند و به آیات و روایاتی در این زمینه استناد می‌کنند که از جمله آن آیات می‌توان به آیه و الراسخون فی العلم یقولون آمننا به کل من عند ربنا و از روایات هم می‌توان به روایاتی مثل لیس ابعده من عقول الرجال من القرآن اشاره کرد.

اهداف پژوهش و ضرورت آن

الف- ضرورت

احساس نیاز شدید بشر به دلایل عقلانی و مجاب کردن جویندگان حقیقت در دنیای کنونی.

ب- اهداف

دست یابی به مفهوم حقیقی اراده شده از عقل با توجه به تأکیدات فراوان وارد شده در قرآن و سنت و شناخت دیدگاه امامیه در رابطه با طرق استنباط احکام و تبیین حدود عقل به عنوان دلیلی در کنار کتاب و سنت.

پیشینه پژوهش

الف) کتاب

عقل و استنباط فقهی، صابری، حسین (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۱ ه. ش.).
کتاب مورد نظر در بردارنده نکات بسیار مفیدی در این زمینه است و علاوه بر بررسی اقسام ادله عقلی از دیدگاه امامیه، دیدگاه اهل سنت را نیز پیرامون ادله عقلی مورد بررسی قرار داده است. اما بسیار ناقص و کوتاه به بررسی قاعده‌ی ملازمه پرداخته است.

ب) پایان نامه

- جایگاه عقل در استنباط احکام، زهرا خسروجردی، به راهنمایی سید علی موسوی رکنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۸۲ ه. ش.
پایان نامه مورد نظر بسیار خوب به بررسی جایگاه عقل در فقه امامیه پرداخته است اما در آن به تبیین ارتباط عقل با مباحث الفاظ، حجت و اصول عملیه پرداخته نشده است.

ج) مقاله

بازشناسی جایگاه عقل در فقه امامیه، سعید قماش، رواق اندیشه، شماره ۳.
نویسنده این مقاله به بررسی جایگاه عقل در فقه امامیه تنها از منظر تاریخی پرداخته و تحولات بوجود آمده در آن را در طی چند دوره مورد بررسی قرار داده است اما به نحوه‌ی به کارگیری عقل در فقه و دیدگاه اصولیین در این زمینه توجه چندانی نکرده است.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

از نوع گردآوری کتابخانه‌ای و به شکل توصیفی و تجزیه و تحلیل محتوایی داده‌ها.

فصل اول

کلیات

اصلی‌ترین گام در هر پژوهشی، روشن بودن ابعاد عنوان پژوهش است. تبیین عنوان، راه را بر پژوهشگر هموار ساخته و مانع او از بیراهه و گاه از کجروی می‌شود. این فصل در سه بخش تنظیم شده است: بخش یکم به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژگان مرتبط با موضوع رساله همت گمارده است و به بررسی واژگان از دیدگاه علوم مختلف می‌پردازد در بخش دوم اقسام عقل و مراتب آن در نزد صاحبان علوم هم‌چون فقه، فلسفه و عرفان بررسی شده است. سیر تطور تاریخی استناد به دلیل عقلی در فقه امامیه عنوان بخش سوم است. بررسی‌های علمی نشان داده است که نگاه تاریخی به هر مسئله، امر شایسته و در برخی موارد، گریز ناپذیر است. لذا در این بخش، گزارش کوتاهی از روند نقش آفرینی عقل در فقه امامیه از گذشته تاکنون ارائه شده است. اهمیت این مباحث در شکل‌گیری شالوده‌های بحث، رساله را به غایت نهایی‌اش نزدیک‌تر می‌نماید.

بخش ۱- معناشناسی واژگان و اصطلاحات

مقدمه

یکی از عواملی که می‌تواند به شفافیت عنوان پژوهش، کمکی شایان کند، روشن بودن واژگان عنوان است که آشکار می‌کند محقق در جستجوی چه چیزهایی است و کجا می‌تواند آن را بیابد. جست و جوی ریشه لغوی واژه، بررسی آن از دیدگاه صاحبان علوم دیگر و پرداختن به واژگان مرتبط و همسو با کلمه‌های به کار رفته در عنوان پژوهش می‌تواند پژوهشگر را آسان و دقیق‌تر به مقصد برساند. لذا در این فصل برآنیم به بررسی واژه‌های کلیدی رساله یعنی عقل، حسن و قبح، ملازمه، از نگاه لغت، قرآن، سنت، فقه، فلسفه، کلام و عرفان بپردازیم.

گفتار اول: عقل

مبحث اول: معنای لغوی عقل

در اغلب لغت نامه‌های عربی و غیر عربی، معنای لغوی متعددی برای کلمه عقل برشمرده‌اند:

ابن منظور برای عقل معانی خرد، دانش، علم، فهم، ادراک، دریافت، هوش، فراست، تدبیر، قوه متمیزه و نقطه مقابل حماقت و نادانی را آورده است.^۱

عقل ماخوذ از عقال (زانو بند شتر) در معانی منع، نهی، امساک، حبس و جلوگیری استعمال می‌شود چون خرد و دانش، مانع از رفتن طبیعت انسان به سوی افعال ناپسند می‌شود و انسان عاقل کسی است که نفس خود را حبس می‌کند و آن را از هواها باز می‌دارد.^۲ در این معنا دو جنبه معرفتی و ارزشی لحاظ شده است. یعنی عقل منشا معرفت است معرفتی که انسان را به راه راست و اعمال نیکو رهنمون می‌شود.

برخی از اصحاب لغت آن را ماخوذ از معقل به معنی پناهگاه دانسته‌اند زیرا عقل و خرد همچون پناهگاهی برای پناهنده شدن صاحبش می‌باشد.^۳

عقل نیرویی است که انسان را برای دریافتن مفاد سخن آماده می‌کند.^۴

۱-

الف) ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، دار صادر، بیروت، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸.

ب) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش، ج ۱۰، ص ۱۶۰۰۰.

۲ - ابن زکریا، احمد فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۹.

۳ - نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران، کتاب فروشی خیام، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۸۶.

۴ - الفیومی، احمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۲۲.

عقل یعنی پایداری در کارها، از این جهت به آن عقل می‌گویند که صاحب عقل را از سقوط در لغزش‌گاهها حفظ می‌کند.^۱

عقل جوهری است روحانی، که خداوند برای درک علوم نظری در انسان به ودیعت نهاده و وجه تمایز بین انسان و حیوان است. برخی جایگاه آن را در سر، و برخی در قلب دانسته‌اند.^۲

واژگان مترادف عقل

لُب: لب در لغت به معنای مغز و اصل و ناب چیزی است. چنانکه به مغز گردو «لُب الجوز» گفته می‌شود.^۳ قرآن درباره عقل کلمه لب را زیاد به کار برده است گوئی انسان را تشبیه به یک گردو و یا بادام کرده که اساس آن مغزش می‌باشد که در درون آن قرار دارد. مغز انسان، عقل و فکر انسان است. انسانی که عقل ندارد جوهر و مغز انسانیت و ملاک و مقوم آن را دارا نیست.

نُهی: از دیگر مترادفات عقل نُهی می‌باشد. این کلمه به صورت جمع است و مفرد آن نُهیه می‌باشد. و از آنجا که عقل از امور قبیح نُهی می‌کند به عقل نُهیه می‌گویند.^۴

حجر: عقل را به اعتبار نگه‌دارندگی آن حجر گویند. به عبارت دیگر عقل را از آن جهت که انسان را از اجابت خواسته‌های نفسانی‌اش باز می‌دارد حجر گویند.^۵

^۱ - زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۵.

^۲ - لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۶۰۰۰

^۳ - الفیومی، احمد، المصباح المنیر ص ۵۴۷.

^۴ - همان، ص ۶۲۹.

^۵ - جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح، چاپ سوم، دارالعلم، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۶۹.